

فصلنامه علمی - تخصصی

## مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره دوم \* شماره پنجم \* پاییز ۱۴۰۲



### بررسی تطبیقی شأن نزول آیه تبلیغ در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت

زهرا لطفی افین<sup>۱</sup>

سیدحسین شفیعی دارابی<sup>۲</sup>

#### چکیده

درک عمیق و دقیق مفاهیم قرآن، مستلزم آگاهی از شان نزول آیات آن است. آیه تبلیغ (مانده: ۶۷) از جمله آیاتی است که در تفسیر و تأویل آن، شان نزول نقشی محوری ایفا می‌کند. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به بررسی دیدگاه مفسران شیعه و سنی در خصوص شان نزول این آیه و ارتباط آن با واقعه غدیر خم می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق مفسران شیعه و گروه قابل توجهی از مفسران اهل سنت، شان نزول آیه تبلیغ را مرتبط با واقعه غدیر و ابلاغ خلافت و امامت حضرت علی (ع) توسط پیامبر اکرم (ص) می‌دانند. این همخوانی، هم با قرآن درونی آیه، از جمله تأکید ویژه بر «ابلاغ» و وابستگی اتمام رسالت نبوی به ابلاغ امامت امام علی (ع)، و هم با قرآن بیرونی مانند روایات معتبر از هر دو مذهب شیعه و سنی سازگار است. با این حال، برخی از مفسران اهل سنت، با تمرکز صرف بر بخشی از آیه (حفاظت جان پیامبر از سوی خداوند) و عدم توجه به انسجام معنایی کل آیه، ارتباط آن را با واقعه غدیر انکار می‌کنند.

#### واژگان کلیدی

امام علی (ع)، امامت، آیه تبلیغ، تفاسیر فریقین، خلافت، شان نزول، غدیر خم.

Email: lotfiafinzahra66@Gmail.com	۱- دانش پژوه سطح ۴، تفسیر تطبیقی، جامعه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول)
Orcid: 0009-0005-0574-7802	۲- استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی (ع)، مدیرگروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰
استناددهی: لطفی افین، زهرا؛ شفیعی دارابی، سیدحسین (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی شأن نزول آیه تبلیغ در منابع روایی شیعه و اهل سنت»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۵، صفحات ۵۵-۷۵.	

## ۱. مقدمه

در میان انوار هدایت الاهی که در قرآن کریم تجلی یافته، آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، موسوم به «آیه‌ی تبلیغ»، از جایگاهی ویژه و تأملی عمیق برخوردار است. لحن قاطع و تهدیدآمیز این آیه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به ابلاغ رسالت خویش موظف می‌دارد، حاوی پیامی ژرف و درس آموز برای تمامی جویندگان حقیقت است. درک ابعاد درونی و برونی این آیه، مستلزم واکاوی دقیق شأن نزول و بررسی اقوال مفسران و محدثان در این زمینه است.

در خصوص شأن نزول آیه‌ی تبلیغ، اقوال متعددی از سوی مفسران و محدثان فریقین بیان شده است. فخر رازی در تفسیر خود، کشف، به ده قول در این زمینه اشاره می‌کند که در ادامه به اختصار به بیان آنها می‌پردازیم:

۱. حکم رجم و قصاص: برخی معتقدند آیه در ماجرای حکم رجم و قصاص نازل شده و خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را به ابلاغ بدون لکنت و واهمه از مخالفت مردم، امر می‌فرماید.
۲. مسخره دین توسط یهود و نصاری: عده‌ای دیگر بر این باورند که آیه در واکنش به تمسخر دین اسلام توسط یهود و نصاری و سکوت پیامبر صلی الله علیه و آله در قبال آن نازل شده و ایشان را به مقابله قاطع با این هتاک‌ها فرمان می‌دهد.
۳. تخییر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله: گروهی از مفسران اهل سنت معتقدند آیه پس از نزول آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب، که زنان پیامبر را میان طلاق و پذیرش سختی‌های زندگی با ایشان مخیر می‌کرد، نازل شده است. در این روایت آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله از بیم طلاق همسران خود، در ابلاغ این پیام تردید داشتند و آیه‌ی تبلیغ نازل شد تا ایشان را به ابلاغ بدون واهمه از واکنش‌ها، امر کند.
۴. حکم زید و زینب: برخی دیگر، نزول آیه را مرتبط با ماجرای زیدبن حارثه و زینب بنت جحش می‌دانند. در این روایت آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور الاهی، زید را طلاق داده و با زینب ازدواج می‌کنند، اما برخی از صحابه به این حکم اعتراض می‌کنند. آیه‌ی تبلیغ در این راستا نازل می‌شود و پیامبر صلی الله علیه و آله را به ابلاغ بدون ملاحظه‌ی نظر و ترس از مخالفت‌ها، موظف می‌کند.
۵. ابلاغ آیات جهاد: گروهی نیز معتقدند آیه در خصوص ابلاغ آیات جهاد نازل شده و پیامبر صلی الله علیه و آله را به صراحت در بیان این احکام و عدم هراس از منافقین، امر می‌کند.



۶. برخی مفسران بر این باورند که آیه ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زِينًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام: ۱۰۸) مسلمانان را از سب و دشنام به معبودهای مشرکین به قصد انتقام و بدون آگاهی منع می‌کند. این امر به منزله‌ی منع مطلق نقد و انتقاد از شرک و بت‌پرستی توسط پیامبر اکرم ﷺ تلقی نمی‌شود. وظیفه‌ی اصلی پیامبر ﷺ هدایت و دعوت بشر به سوی توحید و یگانه‌پرستی بود. نقد و استدلال در برابر مشرکین و بت‌پرستان، نقشی اساسی در این راستا ایفا می‌کرد. شواهد متعددی از نقد و استدلال پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) در برابر مشرکین در منابع معتبر تاریخی و روایی وجود دارد. بنابراین، ادعای منع مطلق پیامبر اکرم ﷺ از انتقاد به معبودهای مشرکین پس از نزول آیه‌ی فوق، با شواهد قرآنی، روایی و تاریخی سازگار نیست.

۷. برخی از مفسران معتقدند که آیه‌ی تبلیغ در جریان حجة الوداع، اما با هدف بیان و تأکید بر احکام دینی پیشین، نازل شده است.

۸. طبق روایتی، در یکی از سفرهای پیامبر اکرم ﷺ، ایشان در تنهایی زیر درختی به خواب رفته بودند. در این هنگام، اعرابی مشرک که قصد جان ایشان را داشت، خود را به بالای سر آن حضرت رساند و شمشیر ایشان را از غلاف بیرون کشید. او با لحنی تهدیدآمیز خطاب به پیامبر ﷺ گفت: «ای محمد! اکنون چه کسی می‌تواند مانع از قتل تو توسط من شود؟» حضرت رسول ﷺ که از خواب بیدار شده بودند، با آرامش و متانت فرمودند: «در این لحظه، خداوند حافظ و نگهدار من است و هیچ‌کس یارای مقابله با اراده او را ندارد» ناگهان، لرزه‌ای بر اندام اعرابی مشرک افتاد و شمشیر از دستش رها شد. او که وحشت‌زده شده بود، به زمین افتاد و جان خود را از دست داد.

این واقعه بار دیگر نشانگر قدرت لایزال الهی در حفظ و حراست از پیامبر گرامی اسلام ﷺ بود. پس از این ماجرا، آیه‌ی تبلیغ نازل شد و خداوند متعال در آن آیه، پیامبر ﷺ را از یاری و حمایت همیشگی خود اطمینان خاطر داد.

۹. برخی از مفسران بر این باورند که آیات خاصی در قرآن کریم (أنفال: ۵۸؛ أحزاب: ۳۷؛ زمر: ۳۶) حاکی از بیم و هراس پیامبر اکرم ﷺ از مخالفان خویش، اعم از مشرکان قریش،

یهودیان و مسیحیان بوده است. این مفسران معتقدند که خداوند متعال با نزول این آیه، بر تشویش خاطر پیامبر ﷺ فائق آمده و او را به یاری و نصرت خویش دلگرم نموده است.

۱۰. بر اساس روایات متواتر از ابن عباس، براء بن عازب، و حضرت امام محمدباقر علیه السلام، عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاةً» در شان و منزلت والای امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده است. طبق نقل تاریخ، پس از نزول آیهی شریفه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را گرفته و فرمودند: «هر کس من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست. خدایا، دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که با علی دشمنی می کند». عمر بن خطاب نیز پس از این واقعه به دیدار حضرت علی علیه السلام شتافته و با تبریک این فضیلت عظیم، اظهار داشت: «ای پسر ابی طالب، امروز تو مولای من و مولای تمامی مؤمنان شدی» (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۴۰۱).

در تقابل با آرای ذکرشده از جانب علمای اهل سنت (به جز قول دهم)، بر پایه‌ی روایات معتبر، متعدد و متواتر شیعه، نزول این آیهی شریفه به واقعه‌ی غدیر خم و اعلان جانشینی حضرت علی علیه السلام از سوی خداوند متعال در آن مکان مقدس، ناظر بوده و هیچ شأن نزول دیگری برای آن متصور نیست (طوسی، بی تا: ۳/۵۸۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۴۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۳/۲۸۴؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱/۶۸۳).

در مقابل، علمای اهل سنت، با وجود ارائه‌ی شواهد روایی متعدد برای شان نزول‌های مختلف نزول آیه، به ندرت به تبیین و تقویت استدلال‌های دلالتی خود پرداخته‌اند. آلوسی نیز با طرح ایراداتی، کوشیده تا ارتباط آیهی تبلیغ با واقعه‌ی غدیر را رد کند و خدشه‌ای به انضمام این آیه به واقعه‌ی غدیر وارد سازد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۵۵).

در میان جوامع اهل سنت، تمایل غالب بر انطباق روایت‌ها با نظام خلافت مورد نظر ایشان وجود دارد. این امر، گاه به مخالفت و مبارزه با نظریاتی می‌انجامد که با چارچوب‌های پذیرفته شده تناقض داشته باشند. با وجود این مخالفت‌ها، حقیقت واقعه‌ای که در حضور جمعیتی انبوه از مسلمانان رخ داده، به‌طور کامل از بین نرفته است. اقدامات جهت محدود کردن روایت‌های مخالف با گزارش رسمی، مانع از انتشار کامل آن توسط روایان و ناقلان منصف شده است.

با این حال، تعهد دینی بسیاری از علمای اهل سنت به عدم کتمان حقایق، مانع از حذف

کامل این واقعه از منابع و آثار ایشان شده است. در کتب این عالمان، گزارش‌هایی از این رویداد به چشم می‌خورد که با روایت رسمی مغایرت دارد. تناقضات آشکار در روایت‌های علمای اهل سنت پیرامون واقعه مورد بحث، ریشه در تعارض منافع و وابستگی‌های آنان به نظام‌های حاکم دارد.

در این مقاله، با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مفسران و نویسندگان مذاهب مختلف، به واکاوی شأن نزول آیهی شریفه مورد نظر می‌پردازیم. هدف از این مقایسه، ارائه‌ی بی‌طرفانه‌ی آراء هر دو طیف و روشن ساختن حقیقت مطلق با اتکا به شواهد و مستندات داخلی و خارجی متن است. در این راستا، تلاش می‌شود تا خواننده فارغ از هرگونه پیش‌داوری، به درک صحیح منظور خداوند متعال نائل آید.

## ۲. پیشینه‌ی تحقیق

### ۲-۱. پیشینه‌ی نظری

تعیین شأن نزول آیهی تبلیغ، از دیرباز مورد توجه مفسران، محدثان و متکلمان شیعه و سنی بوده است. از همان اوان نزول این آیهی شریفه در صدر اسلام، صحابه پیامبر ﷺ و ائمه‌ی هدی ﷺ در نقل روایات ناظر به شأن نزول آن کوشا بودند. این تلاش‌ها در طول قرون متمادی و در کتب تفسیری و روایی از قدیم الایام تا دوران معاصر انعکاس یافته است. شارحان کتب روایی نیز با بررسی قرائن درونی و بیرونی آیه، به تبیین آن پرداخته‌اند. با توجه به ارتباط وثیق آیهی شریفه با مباحث کلامی، امامت و خلافت، ردّ پای این آیه در کتب کلامی فریقین نیز دیده می‌شود. لذا، کتب حدیثی، تفسیری و کلامی شیعه و سنی، پیشینه‌ی نظری ارزشمندی برای این پژوهش فراهم می‌کنند که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

### ۲-۲. پیشینه‌ی پژوهشی

در این بخش تعدادی از کتب و مقالات و پایان‌نامه‌ها در این زمینه را از نظر می‌گذرانیم:

#### ۲-۲-۱. کتاب‌ها

- حدیقة الشیعه، مقدس اردبیلی، جلد اول، صفحه ۱۲۰؛

- حق الیقین، علامه مجلسی، جلد اول، صفحه ۹۸؛
- احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نورالله شوشتری، جلد اول، صفحه ۶؛
- الغدير في الكتاب و السنه و الادب، علامه امینی، جلد اول، صفحه ۲۶؛
- عبقات الانوار فی امامة الائمه الاطهار، میرسیدحامد حسین، جلد سوم، صفحه ۱۹۱؛
- آیات ولایت در قرآن، استاد مکارم شیرازی، صفحه ۲۵؛

## ۲-۲-۲. مقالات

- در سال‌های اخیر، پژوهش‌گران و مفسران متعددی به تبیین و تفسیر آیه‌ی تبلیغ پرداخته‌اند. این آیه که در سوره‌ی مانده قرار دارد، پیامبری حضرت محمد ﷺ را به ابلاغ کامل پیام الهی موكول می‌کند و از اهمیت و جایگاه والای این رسالت سخن می‌گوید.
- برخی از آثار برجسته در این زمینه عبارتند از:
- تحلیل و بررسی آیه‌ی تبلیغ در بین مفسرین شیعه و اهل سنت و پاسخ به شبهات منتقدین از اهل سنت، تألیف سیدقاسم موسوی؛
  - بررسی دیدگاه‌های فریقین درباره‌ی آیه‌ی تبلیغ، تألیف فتح‌الله نجارزادگان؛
  - بررسی تفسیری آیه‌ی تبلیغ با تکیه بر ارزیابی دیدگاه ناسازگاری سیاقی، تألیف سیده سعیده غروی و فاطمه زهرا آل ابراهیم دهکردی؛
  - نقش سیاق در تفسیر آیه‌ی تبلیغ، تألیف عباس اسماعیلی زاده و محبوبه غلامی؛
  - مفسران اهل سنت و آیه‌ی تبلیغ، تألیف مریم هرمزی شیخ طبقی؛
- این پژوهش‌ها از منظرهای مختلف به آیه‌ی تبلیغ پرداخته و ابعاد گوناگون آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

## ۲-۲-۳. پایان‌نامه‌ها

- بررسی تطبیقی آیات تبلیغ و اکمال از دیدگاه فریقین (با تاکید بر پاسخ‌گویی به شبهات جدید)، سید ارشد حسین کاظمی؛
- این پژوهش با هدف بررسی تطابق آیه با روایات اهل سنت در مورد شان نزول آن انجام شده است. در این راستا، ضمن بررسی اسناد و قرائن درونی خود آیه، به مدارک و اسناد و روایات به



عنوان شواهد بیرونی نیز توجه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روایات اهل سنت در مورد شأن نزول این آیه با محتوای آن همخوانی ندارد. این روایات که عمدتاً از طریق صحابه و تابعین نقل شده‌اند، علاوه بر ضعف سند، از پراکندگی و تناقضات آشکاری رنج می‌برند و با سیاق آیه نیز سازگاری ندارند. بر اساس این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که روایات اهل سنت در مورد شأن نزول آیهی ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالْكِتَابِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ﴾ قابل اعتماد نیستند و تفسیر این آیه باید صرفاً بر اساس قرائن و شواهد درونی خود آن صورت گیرد.

### وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین

۱. دقت و ظرافت نظر در قرائن متعدد درون‌متنی: این پژوهش با بررسی دقیق و موشکافانه قرائن و شواهد موجود در متن قرآن، به درک عمیق‌تر و دقیق‌تر آیات مورد بحث دست یافته است.
  ۲. بهره‌مندی از سیاق آیات: در این پژوهش، صرفاً به معنای ظاهری آیات اکتفا نشده و سیاق و فضای پیرامونی آیات نیز در تفسیر آنها لحاظ شده است.
  ۳. استفاده از روایات معتبر شیعی و اهل تسنن: در کنار اتکا به روایات صحیح و معتبر شیعی، از روایات اهل تسنن نیز، آن هم از قدیمی‌ترین کتب تفسیری آنها، استفاده شده است.
- در تفسیر شأن نزول این آیه، ضروری است که هر نظریه ارائه شده، واجد دو شرط اساسی باشد:

- اول: همخوانی کامل با تمام اجزای آیه و مفاهیمی که از آن قابل استنباط است.
- دوم: سازگاری تام با روایات معتبر و صحیح‌السند و الدلاله مرتبط با شأن نزول و زمان نزول آیه.

### ۳. دیدگاه مفسران شیعه در مورد شأن نزول آیه تبلیغ

#### ۳-۱. تبیین دیدگاه

مفسران، محدثان و مورخان شیعه، همگی یک‌صدا و بدون هیچ تردیدی، شأن نزول این آیه را واقعه‌ی غدیر می‌دانند و محتوای پیام آن را ناظر بر ولایت و امامت بلاواسطه علی بن ابی طالب علیه السلام می‌دانند. طبق این دیدگاه، در سال دهم هجرت و در جریان حجة الوداع، پیامبر

اکرم علیه السلام در حال بازگشت به مدینه، در سرزمین جُحفه (واقع در شمال غربی مکه و در نزدیکی دریای سرخ) و در منطقه‌ای به نام غدیر خم، توقف کرده و پس از نزول آیهی تبلیغ، امامت و ولایت علی علیه السلام را به همگان ابلاغ فرمودند.

این آیهی مبارکه که به آیهی تبلیغ مشهور شده، در اواخر عمر شریف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و در شرایطی خاص، بالحنی قاطع و تأکیدی ویژه نازل گردید. مضمون این آیه، حول محور مهم‌ترین موضوع جهان اسلام پس از نبوت و رسالت، یعنی مسئلهی خلافت و جانشینی، دور می‌زند. خداوند در این آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مأمور می‌کند که وصایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام را پس از خود، به‌طور آشکار و بدون هیچ‌گونه پنهان‌کاری، به مردم ابلاغ کند و تکلیف آن‌ها را در این خصوص روشن سازد. بر اساس روایات تفسیری و نقل‌های تاریخی متعدد، هیچ‌کدام از علمای شیعه در صحت و سقم این مأموریت خطیر و محتوای آن تردیدی نداشته و همگی بر جانشینی حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأکید کرده‌اند. در بخش مستندات این نوشتار، به تفصیل به این روایات و شواهد پرداخته خواهد شد.

## ۲-۳. مستندات دیدگاه

این بخش به بررسی متقن‌ترین و مستندترین استدلال‌های مفسران شیعه در خصوص شأن نزول آیه می‌پردازد. در این راستا، ضمن استناد به شواهد و قرائن موجود در متن و سیاق آیه، به منابع و مدارک روایی معتبر نیز ارجاع داده خواهد شد.

## ۱-۳-۲. مستندات درونی آیه

در این بخش، به بررسی مفهوم مستندات درونی آیه می‌پردازیم. منظور از این اصطلاح، تأمل و تدبیر در مضمون و محتوای خود آیه، فارغ از تمامی روایات تفسیری اعم از شیعه و سنی، و همچنین بدون توجه به تاریخ و سخنان مفسران است. به عبارت دیگر، اگر ما صرفاً با خود آیه روبرو باشیم و هیچ منبع روایی یا نقل تاریخی در اختیارمان نباشد، با تدبیر در تک‌تک واژگان و ترکیب جملات آیه، چه معانی و دلالت‌هایی از آن کشف می‌شود؟ با دقت در خود آیه و بدون کمک گرفتن از امور دیگر، به نکاتی اشاره می‌شود:

۱. آیهی مورد بحث، آیهی شصت و هفتم سورهی مائده است و طبق نظر غالب تفسیری،



سوره‌ی مائده آخرین سوره یا از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گشته است. تفسیر مجمع البیان این سوره را آخرین سوره‌ی نازل بر پیامبر ﷺ دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۱/۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۱۵۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۸۵).

همچنین طبق روایتی در تفسیر المنار، تمام این سوره در حجة الوداع و در بین راه مکه و مدینه بر آن حضرت نازل شده است (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱۱۶/۶). نتیجه‌ی سخن اینکه: این آیه در سال دهم بعثت، در آخرین سال زندگی رسول خدا ﷺ، و بعد از بیست و سه سال تبلیغ، نازل شده است. از سیاق الفاظ و مفردات بکار رفته در آیه به دست می‌آید که پس از گذشت سال‌ها از طلوع اسلام تا آخرین سال‌های عمر پیامبر ﷺ هنوز مطلب بسیار مهمی باقی مانده که به طور رسمی و وسیع مطرح نشده و دستور تبلیغ آن با امر شدید «بَلِّغْ» که تاکنون در قرآن سابقه نداشته و با خطاب «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ» نازل گردیده است. این امر مهم، قهراً فروعی مانند نماز و روزه و حج و زکات و جهاد نیست؛ زیرا در این مدت بیست و سه سال، رسول خدا ﷺ مسلماً از تبلیغ این فروع، فارغ شده بودند. لذا با مذاقه در خود آیه و با ضمیمه نمودن روایات متضاهر خاصه و عامه، به ذهن می‌رسد این امر مهم که هنوز تبلیغ رسمی و وسیع آن محقق نشده، مسئله‌ی ولایت و امامت امام علی علیه السلام بوده است؛ زیرا پیامبر ﷺ در طول عمر مبارکش هیچ‌گاه مسأله‌ی خلافت و جانشینی پس از خویش را به طور رسمی و در این مقیاس وسیع مطرح نکرده بود و این مسأله، تنها مسأله‌ی مهمی بود که تا آخرین سال‌های عمر پیامبر اسلام ﷺ زمین مانده بود و این مفاد از جمله «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ...» به خوبی قابل استفاده است که این تبلیغ هنوز جامه‌ی عمل پوشیده بود.

۲. از آیه‌ی شریفه که فرمود: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» استفاده می‌شود که این مأموریت پیامبر ﷺ به قدری مهم و خطیر است که همسنگ و هم‌تراز نبوت بوده و بعد از بیست و سه سال هنوز انجام نشده است. از آنجا که شواهد نشان می‌دهد: بین مسائل مختلف اسلامی، هیچ مسأله‌ای در حدّ و شأن نبوت و هم‌تراز و همسنگ آن و ادامه دهنده‌ی مسیر نبوت نمی‌باشد، جز مسئله‌ی امامت که هر دیف مقام نبوت بوده و امام است که انجام دهنده‌ی وظایف محوّله بر پیامبر و حافظ و نگاهبان شریعت است. بنابراین، بسیاری از کارشناسان با توجه سیاق آیه

گفته‌اند که این قرینه نیز اطمینان بخش است که آیه‌ی مزبور در مورد امر ولایت و جانشینی رسول خدا ﷺ است.

۳. تعبیر شگفت‌آوری که مستند درونی سوم آیه تلقی می‌گردد فراز ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ است. این تعبیر می‌رساند که ویژگی دیگر این مأموریت این است که عده‌ای با آن مخالفت می‌کنند و مخالفت آن‌ها به قدری جدی و شدید است که حاضرند جان پیامبر ﷺ را گرفته و ایشان را در راستای این امر مهم، از سر راه بردارند؛ زیرا مسلمانان که با نماز و روزه و حج و جهاد و مانند آن مخالفتی نداشته‌اند، پس حتماً این مأموریت، یک مسأله‌ی سیاسی است و عده‌ای برای مخالفت با آن، کمر به مبارزه بسته‌اند و حاضرند در این راه در مقابل پیامبر اسلام ﷺ بایستند. بنابراین، خداوند در ذیل همین آیه به آن حضرت، وعده‌ی حفاظت از توطئه‌ها و دسیسه‌ها را می‌دهد و اینکه قوم کافر، که به سوء اختیار خود، خواهان عدم تبلیغ این امر خطیر هستند، هرگز روی هدایت را نخواهند دید. وانگهی شواهد و قرائن تاریخی این مسئله به خوبی نشان می‌دهد که از زمان طرح مسئله‌ی امامت و ولایت امام علی علیه السلام، مخالفت‌های متعددی از سوی منافقان و مخالفان بروز داده شد؛ حتی طبق نقل‌های معتبر، در همان صحرای غدیر، شخصی به حضور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و با حالت اعتراض به آن حضرت عرض کرد: «اگر آنچه امروز گفته‌ای از ناحیه‌ی خداوند بوده است، از او بخواه عذابی بر من فرستد و مرا نابود کند!» که چنین شد و او نابود گشت (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۰۴؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/۲۷۶؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۵۷/۸). نتیجه‌ی این که آیه‌ی شریفه‌ی فوق، با قطع نظر از روایات و اقوال و آراء مفسران و آنچه در تاریخ آمده، به خودی خود دلالت بر امامت ولایت امام علی علیه السلام و نصب ایشان از جانب خدای متعال دارد.

نکته‌ی قابل توجه در آیه این است که خداوند در فراز پایانی آن ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ به عدم هدایت کافران اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد این جمله تعلیلی بر مقصود خداوند از کل آیه باشد. دلیل این برداشت، استظهار از ظاهر آیه است. استظهار یکی از قواعد تفسیر قرآن است که بر اساس آن، مفسر از ظاهر آیه معنایی را استنباط می‌کند. قواطع آیات، عباراتی هستند که در قرآن کریم به کار می‌روند و اجزای آیه را از یکدیگر جدا می‌کنند. این قواطع

اغلب جنبه‌ی تعلیلی بر محتوای ماقبل خود دارند. ظاهر این تعلیل نشان می‌دهد که: اولاً موضوع مهمی که باید تبلیغ شود، از مسائل اعتقادی مهم است و ارتباط وثیقی با هدایت الاهی دارد. این موضوع برخلاف مسائل فقهی است که با هدایت معنوی و اعتقادی ارتباطی ندارند.

ثانیاً از واژه‌ی «کافرین» در این آیه استفاده شده است، تا نشان دهد که عدم پذیرش مفاد این تبلیغ، پی‌آمدی به شدت منفی دارد و در حد کفر و الحاد است.

اشکال دیگری که ممکن است مطرح شود، این است که منظور از آیه، تهدید دودشمن بزرگ اسلام، یعنی یهود و نصاری باشد که همواره در برابر اسلام ایستادگی می‌کردند و مانع پیشرفت مسلمانان بودند. این نظر در برخی از شأن نزول‌هایی که مفسران اهل تسنن ذکر کرده‌اند، آمده و تقویت شده است (که در بخش دیدگاه اهل تسنن به آن خواهیم پرداخت). در این صورت، آیه ارتباطی با موضوع ولایت و امامت امام علی علیه السلام نخواهد داشت.

در پاسخ باید گفت: «هرکس که اندکی با تاریخ اسلام آشنایی داشته باشد، می‌داند که در سال دهم هجرت، زمانی که آیه‌ی شریفه‌ی مورد بحث نازل شده بود، دشمنی و عنادورزی یهودیان و مسیحیان ساکن در اطراف مکه و مدینه پایان یافته بود. قبایل مختلف یهودی مانند بنی قریظه، بنی نضیر، بنی قینقاع و یهودیان خیبر یا تسلیم مسلمانان شده بودند و یا مجبور به ترک دیار خود گشته بودند. با توجه به این قراین، به نظر می‌رسد که منظور از «منافقین» در این آیه، مسلمانان ظاهری و منافق‌البطن بوده است. لذا، تفسیر این آیه به یهود و نصاری، و هرگونه تفسیری جز امامت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام، با محتوای درونی آیه سازگار نیست».

### ۲-۳. مستندات برونی

در این بخش، به بررسی مستندات روایی و تفسیری مذاهب مختلف در خصوص آیه‌ی مورد بحث می‌پردازیم. این مستندات بیرونی، به منزله‌ی قرآنی خارجی، در کشف مراد و منظور آیه یاری‌گر ما خواهند بود. در کنار این قراین خارجی، قرینه‌ی درونی که در بخش قبل به آن پرداخته شد، اطمینان و بلکه یقین به مفاد مورد نظر را حاصل می‌کند. ابتدا به نقل برخی روایات شیعه و سپس به روایات اهل سنت خواهیم پرداخت.

## اول: روایات شیعه

با توجه به اتمان و وثاقت شأن نزول و دیدگاه ارائه شده در روایات شیعه، که جزو مسلمات و متواترات مذهب به شمار می‌رود، در این مجال به ذکر سه روایت از قدماء محدثان و مفسران شیعه بسنده می‌کنیم.

۱. عیاشی از مفسران شیعی، از ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که خداوند، به پیامبر ﷺ امر کرد تا امام علی علیه السلام را به امامت مردم منصوب کند و ولایت او را به آنان خبر دهد. پیامبر ﷺ ترسید که بگویند عموزاده‌اش را برگزیده است و در این باره، سرکشی کنند. پس خداوند به او چنین وحی کرد: «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی، پیامش را نرسانده‌ای، و خدا، تو را از گزند مردم، نگاه می‌دارد» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۳۱/۱).

۲. محمد بن یعقوب کلینی به سند معتبر از جمعی از فضلاء اصحاب امام باقر علیه السلام مانند علی بن ابراهیم، زراره، فضیل، بکیر، ابن مسلم، برید و ابی الجارود، نقل می‌کند که امام علیه السلام فرمود: «خدای عزوجل رسولش را به ولایت علی علیه السلام امر کرد و آیهی «سرپرست شما تنها خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده، نماز بپا دارند و زکات دهند» (مانده: ۵۵) را بر او نازل فرمود و ولایت اولوا الامر را واجب ساخت. مردم ندانستند مقصود از ولایت چیست، خدا به محمد صلی الله علیه و آله امر فرمود تا ولایت را برای آنها توضیح دهد، همان طور که نماز و زکات و روزه و حج را توضیح داده بود، و چون امر به ولایت از جانب خدا به پیغمبر رسید، حضرتش ترسید مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند، از این جهت به پروردگارش مراجعه کرد. خدای عزوجل به او وحی فرستاد: «ای پیغمبر! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان، و اگر نکنی پیام او را نرسانیده‌ای، خدا تو را از گزند مردم حفظ می‌کند» او هم امر خدای تعالی را اعلان کرد و به امر ولایت علی علیه السلام در روز غدیر خم، قیام نمود و مردم را برای نماز جماعت فراخواند و فرمان داد که حاضرین به غائبین برسانند.

راوی می‌گوید: امام باقر علیه السلام در ادامه فرمود: «واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می‌شد و امر ولایت آخرین آنها بود، که خدای عزوجل این آیه را نازل فرمود: «امروز دین شما را کامل



کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم» (مانده: ۳).

امام باقر علیه السلام فرمود: «خدای عزوجل می فرماید: بعد از این دیگر واجبی بر شما نازل نکنم، زیرا که واجبات را برای شما کامل کردم» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۸۹/۱). سند این روایت، طبق مبنای غالب بین رجالیان محقق شیعه، تام و در نهایت وثاقت بوده و جای کوچکترین خدشه سندی در آن نمی باشد.

۳. علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود، این آیه را نازل در شأن علی علیه السلام دانسته و فرموده: «این آیه در بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع نازل گردیده است» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۷۱/۱). سند این روایت نیز بر مبنای عدم نیاز به سندشناسی روایات تفسیر قمی و وثاقت جمیع مشایخ ایشان که نظر رجالی محقق، مرحوم آیت الله خوئی می باشد، تمام می باشد.

با توجه به این سه نقل که برخی اسانید آن، طبق مبنای رجالی شیعه تام بوده، اطمینان حاصل می گردد که شأن نزول آیهی محلّ کلام، منحصرأ ماجرای غدیر بوده است، وانگهی شهرت چنین شأن نزولی در افواه محدثان و مفسران امامی مذهب بزرگترین شاهد و مؤید همین تفسیر می باشد؛ زیرا در میان تمام دانشمندان و نویسندگان شیعه در قرون متمادی حتی یک مورد هم یافت نگردیده که شأن نزولی جز آن چه ذکر شد نقل شده باشد. بنابراین حجت نقلی به عنوان مستند برونی بر این امر، تمام خواهد بود.

### دوم: روایات اهل تسنن

طبق نقل های متعدد و مندرج در مجامع تفسیری عامه، عده ی زیادی از صحابه معتقدند که آیه ی فوق در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. از جمله این صحابه می توان از ابن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، عبدالله بن مسعود، ابوهریره، حذیفه بن یمان و براء بن عازب نام برد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۸) که در اینجا به عنوان نمونه به نقل دو روایت از بزرگان صحابه یعنی ابوسعید خدری و عبدالله بن مسعود بسنده می کنیم:

۱. ابوسعید خدری می گوید: «آیهی ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...﴾ روز

غدیر خم، درباره ی علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۲).

طبق برخی مبنای، سند هر دو طریق روایت به ابوسعید خدری نزد خود اهل تسنن معتبر بوده

و مجالی برای مناقشهی سندی نیست و حجت بر اهل تسنن تمام خواهد بود. نکته‌ی مهمی که در اینجا شایان ذکر است این است که در مسائل اعتقادی که به ایمان و عقیده مربوط می‌باشد، حجت باید به صورت کافی و وافی تمام گردد تا جایی برای عذر و بهانه و تشکیک و تردید باقی نماند. بنابراین، همواره قضیه‌ی اتمام حجت در تمام مسائل کلامی شیعه به ویژه در مسئله‌ی امامت و ولایت به متقن‌ترین شکل ممکن، مدّ نظر بوده و به این جهت قاطع، عذر هر وجدان بیدار و ذهن منصفی خواهد بود.

۲. عبدالله بن مسعود می‌گوید: «ما در زمان پیامبر خدا ﷺ این آیه را این‌گونه قرائت و فهم می‌کردیم: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ أَنْ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۹۸).

در بین مفسران اهل سنت نیز عده‌ای در شأن نزول آیه، روایت مربوط به ولایت و امامت امام علی علیه السلام در غدیر خم را نقل کرده‌اند، که می‌توان از باب نمونه به ابوالحسن واحدی نیشابوری، فخر رازی و محمد عبده یاد کرد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲۰۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۹۹؛ محمد عبده، ۱۹۹۰: ۶/۱۲۰).

نتیجه این که، احادیث و روایات و گفتار صحابه و روایات مفسرین و دانشمندان، که به‌عنوان قرینه‌ی برونی آیه مطرح‌اند، همگی دلالت دارند که آیه‌ی تبلیغ پیرامون ولایت و امامت علی علیه السلام نازل شده است و قدر متیقن از شأن نزول آیه که مورد تسالم جمیع اهل علم و تحقیق است، واقعه غدیر خم می‌باشد. این قدر متیقن‌گیری آنجا مفید خواهد بود که در صورت تردید در صحت و ابطال انظار و اقوال و در فرض تعارض و تساقط روایات که البته فرضی مستبعد و دور از ذهن است، می‌توان بدان رجوع و استناد کرد.

### ۳-۲. مدافعان دیدگاه

طبق آنچه در بخش قبل از نظر گذشت، قاطبه‌ی مفسران شیعه از قدماء و متاخران بدون هیچ‌گونه مخالفی به دفاع از این شأن نزول پرداخته‌اند. در میان اهل تسنن نیز صحابه‌ی بزرگی چون ابن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، عبدالله بن مسعود، ابوهریره، حذیفه و براء بن عازب نظر فوق را در شأن نزول آیه مطرح نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۸).

همچنین مفسران سترگی چون واحدی نیشابوری، حسکانی و سیوطی و غیر ایشان، شأن نزول مزبور را به‌عنوان یکی از شأن نزول‌های احتمالی و مهم آیه مطرح و به بررسی آن پرداخته‌اند که البته برخی از ایشان شأن نزول‌های پراکنده دیگری نیز در ذیل آیه ایراد نموده‌اند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲۰۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۲۴۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۹۸).

#### ۳-۴. بررسی دیدگاه

بر اساس شواهد و قرائن درونی و برونی آیهی شریفه که همگی به ضمیمه‌ی یکدیگر، برای هر ذهن خالی از تعصب اطمینان بخش خواهد بود، این مطلب به دست می‌آید که بدون هیچ تردیدی شأن نزول آیهی شریفه، مسئله‌ی امامت و خلافت و جانشینی بلافصل امام علی علیه السلام است که در نقل اقوال صحابه و مفسران و محدثان از نظر گذشت.

#### ۴. دیدگاه مفسران اهل سنت در مورد شأن نزول آیه تبلیغ

##### ۴-۱. بیان دیدگاه

مفسران اهل سنت با تکیه بر روایات، شأن نزول‌های متعددی را برای آیه تبلیغ ذکر کرده‌اند که از جمله آنها مسئله‌ی خلافت و امامت امام علی علیه السلام است. این شأن نزول‌ها، برگرفته از روایات صحابه، تابعین و برخی مفسران اهل سنت می‌باشد. اما پراکندگی و عدم انسجام میان این شأن نزول‌ها، خود شاهده‌ی بر نادرستی و جعلی بودن اکثر آنها است. این موضوع در تضاد آشکار با اتفاق نظری است که در میان مفسران، محدثان و مورخان شیعه و همچنین برخی از علمای اهل تسنن، در مورد شأن نزول قطعی و یقینی این آیه وجود دارد.

##### ۴-۲. مستندات دیدگاه

مفسران اهل سنت نیز دریافته بودند که برای اعتبار بخشیدن به آراء و تفاسیر خود، به ویژه در زمینه‌ی شأن نزول آیات، باید تا حد امکان به روایات موثق و غیرقابل خدشه استناد کنند. از آنجایی که بسیاری از عالمان اهل سنت اقوال صحابه و تابعین را حجتی معتبر می‌دانستند، تلاش می‌کردند تا از این منابع برای ارائه استدلال‌های قوی و بی‌نقص بهره ببرند. استنادات مفسران اهل سنت، همانند مفسران شیعه، به دو دسته‌ی کلی درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم می‌شود. با

وجود این، در تبیین شواهد درونی آیه، اکثر مفسران به ذکر نمونه‌هایی کوتاه بسنده کرده‌اند و بیشتر به شرح واژگان، عبارات و جملات آیه و توجیه علمی و ادبی شرط و جزای آن، نظیر ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رَسُولَتَهُ﴾ پرداخته‌اند و از وجوه ارزشمندی که مفسران شیعه به‌عنوان مستندات درونی آیه به آنها تمسک جسته‌اند، غفلت ورزیده‌اند.

#### ۱-۲-۴. مستندات درونی

مهم‌ترین مستند درونی آیه که برخی از مفسران عامه بدان اشاره گذرایی نموده‌اند، سیاق وقوع آن در میان آیات سوره‌ی مائده می‌باشد که آیات پیشین و پسین آن جملگی در مورد یهود و نصاری می‌باشد. آیه‌ی شصت و ششم این است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ...﴾ و آیه‌ی شصت و هشتم این است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسُنَّتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ...﴾ بنابراین، آیه‌ی بین این دو خطاب نیز باید متوجه یهود و نصاری و متضمن ابلاغ احکام اهل کتاب باشد تا وحدت سیاق مجموعه آیات حفظ گردد.

به‌عنوان نمونه ابوحنیفه اندلسی به این مستند اشاره و ادعای ظهور نموده و می‌نویسد: «ظاهر آیه آن است که خداوند پیامبرش را از مکر و خدعه‌ی یهود و نصاری ایمنی بخشید و دستور داد بدون هیچ خوف و ملاحظه‌ای از کسی، هر آنچه در باب یهود و نصاری و دیگران بر وی نازل می‌گردد را تبلیغ فرماید. از آنجا که آیات قبل و بعد این آیه در مورد یهود و نصاری است، بعید است این آیه در مورد یهود و نصاری نباشد و به این جماعت بی ارتباط باشد» (اندلسی، ۱۴۲۰: ۴/۳۲۱).

نقد و اشکالی که در مورد این مستند به ذهن می‌رسد، این است که:

**اولاً:** وحدت سیاقی که مورد تاکید این مفسر است، در مورد خود جملات این آیه مغفول مانده و وحدت سیاق کل آیات (مجموعه آیات قبل و بعد آن) منظور نظر واقع شده است و حال آنکه اگر قرینه وحدت سیاق را بپذیریم، آنچه در درجه‌ی اول عقلائیّت دارد، مراعات وحدت سیاق در الفاظ جملات یک گزاره است که از حفظ وحدت سیاق الفاظ جملات ما قبل و ما بعد آن در نزد عقلاء، اولی به رعایت می‌باشد. به دیگر سخن، اگر بنا بر مراعات وحدت سیاق الفاظ یک متن است، ابتداءً باید خود جملات چهارگانه آیه‌ی شصت و هفتم مورد نظر قرار گیرد - چنانکه در بیان مستندات درونی آیه، که مورد استدلال مفسران شیعه بود کاملاً مورد مذاقه قرار





گرفت- و در مرحله‌ی بعد، به وحدت سیاق کل آیات استناد نمود.

**ثانیا:** اگر به دلیل تعارض وحدت سیاق درونی آیه با وحدت سیاق کلی آیه، آیه دچار اجمال می‌گردد، پس باید از استناد درونی دست شست و به استنادات برونی و روایی روی آورد.

## ۲-۴. مستندات برونی

مقصود از مستندات برونی، روایات شأن نزولی است که مفسران عامه، به مانند مفسران خاصه بدان‌ها اشاره و استدلال نموده‌اند. شایان ذکر است که برخی مفسران اهل سنت، کل آیه را محل شأن نزول مورد نظر خود قرار داده‌اند؛ اما برخی دیگر فرازهای سه‌گانه آیه‌ی مورد بحث را جدا از هم تلقی نموده و برای هر کدام شأن نزول علیحده‌ای نقل کرده‌اند. توضیح آنکه گروه دوم کل آیه را یکجا در نظر نگرفته و بلکه برای دو فراز مهم آن یعنی ﴿بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ و فراز ﴿وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ به‌طور جداگانه شأن نزول ذکر نموده‌اند که البته این نوع نگاه، به هیچ عنوان با سیاق مفردات الفاظ و ترکیب جمل آیه سازگار نمی‌باشد و بدان اشاره خواهد شد.

### اول: شأن نزول کل آیه

۱. ابن ابی حاتم رازی در «تفسیر القرآن العظیم» در باب شأن نزول کل آیه، مطالبی را از صحابه و تابعین نقل نموده است. وی می‌نویسد: «ابی سعید خدری می‌گوید: آیه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام نازل گردید. نیز مجاهد می‌گوید: وقتی آیه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت: پروردگارا! من به تنهایی چگونه ابلاغ رسالت کنم و حال آنکه مردم علیه من اتفاق نظر دارند؟ پس این آیه نازل شد که اگر نکنی رسالت خدا را انجام نداده‌ای» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۴/۱۱۷۲).

۲. ثعلبی نیشابوری به نحوه‌ی مرسل از امام حسن بن علی علیه السلام نقل نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی خداوند مرا به رسالت مبعوث فرمود، قلبم پریشان شد و دانستم که برخی مردم مرا تکذیب خواهند نمود و سرزنش کنندگان او قریش و یهود و نصاری بودند که خداوند این آیه را نازل فرمود» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۹۰).

۳. ابوحیان اندلسی در کتاب تفسیریش «البحر المحیط فی التفسیر» به نقل شأن نزول‌های

متعدد برای آیهی تبلیغ پرداخته؛ و این گونه نگاشته است: «گفته شده که آیهی امر به تبلیغ خاصی است و آن اینکه احکام رجم و قصاصی را که بر تو نازل شد و یهود در تورات خود و نصاری در انجیل خود آن را تغییر دادند، تبلیغ نما؛ و گفته شده در مورد امر حق تعالی به ازدواج با زینب بنت جحش نازل گردید؛ و گفته شده در مورد تبلیغ حکم جهاد و تشویق بدان نازل گردید و اینکه پیامبر ﷺ حق ترک جهاد برای خوشایند احدی را ندارد؛ و گفته شده در مورد امر به تشنیع و نقل معایب بتان و آلهه مشرکان نازل گردید؛ زیرا وقتی آیهی ﴿لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (انعام: ۱۰۸) نازل شد، حضرت از ذکر معایب بتان سکوت فرمود. مفسران ما، هر مورد از این تبلیغ‌های خاص را شأن نزول آیه مزبور دانسته‌اند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۲۱/۴).

#### دوم: شان نزول جزئی از آیه

مراد از شان نزول جزئی، استناد و ارتباط بخشی از آیه با شأن نزول نقل شده است.

الف) ابن ابی حاتم می‌گوید: «پیامبر ﷺ تحت حفاظت و حراست صحابه بود تا اینکه این آیه نازل شد که خدا تو را از مردم حفظ می‌کند! پس پیامبر ﷺ سر از رختخواب خارج نمود و فرمود: ای مردم از پیش من و حفاظت من بروید که خدا جان مرا حفظ فرمود» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۷۲/۴).

چنانکه مشاهده گردید، شأن نزول مزبور در خصوص فراز ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ ذکر گردیده و تنها اشاره به حفاظت جانی آن حضرت از قتل به دست دشمنان دارد.

ب) ثعلبی در کتاب تفسیر خود «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» می‌نویسد: «أنس می‌گوید: «پیامبر ﷺ تحت حفاظت و حراست صحابه بود» عایشه می‌گوید: «شبی من در کنار پیامبر ﷺ بودم که آن شب را بیدار بود. گفتم: شما را چه شده که نمی‌خوابید؟» فرمود: «کاش مرد صالحی امشب از من حفاظت کند» عایشه می‌گوید: «در همین احوال بودیم که من صدای اسلحه و شمشیر شنیدم» حضرت پرسید: «کیستید؟» سعد و حذیفه گفتند: «مائیم و برای حفاظت شما آمده‌ایم» پس پیامبر ﷺ خوابیدند و صدای خواب ایشان را شنیدم. پس این آیه نازل شد و پیامبر ﷺ سر خود را از زیر رختخواب خود خارج نمود و فرمود: ایها الناس بروید و اینجا نمانید که خدای عزوجل مرا از توطئه و قتل حفظ فرمود» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹۰/۴).

ج) همو در مورد ادامه‌ی شأن نزول آیه می نویسد: «محمد بن کعب قرظی نقل می کند که ابوهریره گفت: هرگاه رسول خدا ﷺ در مکانی نزول اجلال می فرمود، اصحاب ایشان درخت سایه داری را برای حضرتش در نظر می گرفتند. روزی حضرت زیر درختی فرود آمده و شمشیر خود را بر آن آویخته بود که عربی آمد و شمشیر حضرت را برداشت و آن را از نیام بیرون کشید و به نزد پیامبر ﷺ که خوابیده بود آمد و گفت: «ای محمد! چه کسی تو را از کشته شدن به دست من نجات می دهد؟» حضرت فرمود: «خدای متعال» پس دست آن عرب لرزید و شمشیر از دستش افتاد و سرش به درخت کوبیده شد. پیامبر ﷺ مدتی تنها بود که خداوند این آیه را نازل فرمود (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹۱/۴).

د) قرظی نیز در تفسیر خویش «الجامع لاحکام القرآن» در باب شأن نزول این آیه، به دلیل تعصب خود، با بدگویی و انکار بر شیعیان می نویسد: سبب نزول این آیه آن بود که پیامبر ﷺ زیر درختی استراحت می کرد که عربی آمد و شمشیر خود را برهنه کرد و به ایشان گفت: «چه کسی تو را از کشته شدن به دست من نجات می دهد؟» فرمود: «خدای متعال»؛ پس دست عرب لرزید و شمشیر از دستش افتاد و سرش را به درخت کوبید و مخ او بیرون ریخت» (قرظی، ۱۳۶۴: ۲۴۳/۶).

نکته‌ی مهمی که در نقد و اشکال بر جمع بندی این شأن نزولها درخور توجه است، تشتت و پراکندگی انظار و اقوال مفسران اهل تسنن است که از دشمنی یهود و نصاری و مشرکان گرفته تا توطئه‌ی ترور پیامبر ﷺ و مسئله‌ی جانشینی آن حضرت را در کلمات خود آورده اند. بر اهل تحقیق پوشیده نیست که اختلاف در نقل جزئیات یک واقعه، موجب وهن و تردید در تحقق آن بوده و انظار مفسران عامه را با تردیدهای جدی مواجه می سازد. وانگهی، تمام این اباحت، بر فرض صحت اسناد روایات نقل شده از صحابه و تابعان بوده که از موضوع این مقاله خارج می باشد.

## نتیجه گیری

از مجموعه‌ی مطالب مطرح در این نوشتار نتایج زیر به دست می آید:

۱. آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، در واپسین روزهای حیات پرفضیلت پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و روایت‌های متعددی پیرامون شأن نزول آن نقل شده است. برخی از این

روایت‌ها به خوف و تردید پیامبر ﷺ در ابلاغ احکامی خاص اشاره دارند، از جمله: ابلاغ احکام مربوط به یهود و نصاری، بیم از سب و توهین مشرکان به مقدسات الاهی، ابلاغ حکم جهاد، تاکید بر احکام ادیان گذشته در حجة الوداع، بیان حکم تخخیر زوجات پیامبر ﷺ بین ماندن با ایشان و طلاق، ابلاغ حکم رجم و قصاص، بیان حکم طلاق زید و زینب بنت جحش. در روایتی دیگر، سوء قصد یک اعرابی به جان پیامبر ﷺ و نجات ایشان به اعجاز الاهی به‌عنوان شأن نزول این آیه ذکر شده است. اما مهم‌ترین و مشهورترین روایت، به بیان مسئله‌ی خلافت و جانشینی امام علی علیه السلام پس از پیامبر ﷺ اشاره دارد. در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی می‌کنند و آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی مائده در مقام تاکید بر ابلاغ این رسالت خطیر نازل می‌شود.

۲. بر پایه‌ی دیدگاه مفسران شیعه و برخی اهل سنت که روایت آن را به یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهند، آیه‌ی مذکور در خصوص واقعه‌ی غدیر خم و ابلاغ رسمی و فراگیر امامت و خلافت حضرت علی علیه السلام نازل شده است. این شأن نزول، پشتوانه‌ی روایات صحیح و موثق از هر دو مذهب شیعه و سنی را دارد. تنها واقعه‌ای که از میان اقوال مفسران هر دو مذهب، یقیناً با نزول این آیه مرتبط دانسته شده، همین واقعه غدیر است و دیگر وقایع یا مورد اختلاف و اجماع نیستند یا سند آن‌ها قابل اعتماد نمی‌باشد.

۳. شواهدی از درون آیه (مانند سیاق کلمات و جملات) و همچنین روایات خارج از آیه، گواه بر آن است که آیه‌ی شریفه تنها یک تفسیر و کاربرد مشخص دارد و آن واقعه‌ی غدیر و مسئله‌ی جانشینی امام علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۴. شأن نزول‌هایی - غیر از مسئله‌ی ولایت - که مفسران اهل تسنن نقل نموده‌اند، پراکنده و آشفته‌اند. هر مفسر بخشی از آیه را برجسته کرده و به آن پرداخته است، در حالی که انتظار می‌رود کل آیه به‌عنوان یک واحد در نظر گرفته شود و شأن نزول آن بیان گردد. این کاری است که در تفاسیر شیعی به نقل از ائمه اطهار علیهم السلام به خوبی انجام شده، اما در تفاسیر اهل سنت جای خالی آن مشهود است.

## کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم ناصر مکارم شیرازی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن الکریم*، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.
  ۲. آلوسی، محمودبن عبدالله (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم السبع المثانی*، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
  ۳. اندلسی، ابوحنیان محمدبن یوسف (۱۴۲۰). *بحرالمحیط*، بیروت، دارالفکر.
  ۴. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمدبن ابراهیم (۱۴۲۲). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
  ۵. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ج ۱، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
  ۶. رازی، ابو عبدالله محمدبن عمر فخرالدین (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*، ج ۳، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
  ۷. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰). *تفسیر القرآن الحکیم* (تفسیر المنار)، مصر، هیئة المصریه العامه للکتاب.
  ۸. سیوطی، عبدالرحمن ابی بکر (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ج ۱، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
  ۹. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، تهران، ناصر خسرو.
  ۱۱. طوسی، محمدبن حسن (بی تا). *تبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
  ۱۲. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر عیاشی*، ج ۱، تهران، العلمیه.
  ۱۳. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات الکوفی*، ج ۱، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
  ۱۴. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱، تهران، ناصر خسرو.
  ۱۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*، ج ۴، قم، دارالکتاب.
  ۱۶. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
  ۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹). *اصول کافی*، ج ۱، قم، دارالحديث.
  ۱۸. لاهیجی، محمدبن علی (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*، ج ۱، تهران، دفتر نشر داد.
  ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). *آیات الولاية فی القرآن*، ج ۱، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
  ۲۰. واحدی نیشابوری، ابی الحسن علی بن احمد (۱۴۱۱). *اسباب النزول القرآن*، ج ۱، قم، دارالکتب العلمیه.